

A Study of the Concept of Moral Responsibility

Javad Danesh¹ 

1. Assistant professor, Department of Moral Philosophy, Islamic Philosophy and Theology
Research Center, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.

Email: j.danesh@isca.ac.ir




Abstract

The nature, scope, and conditions of moral responsibility are among the highly controversial issues in ethical studies. A significant portion of these controversies appears to arise from the ambiguity surrounding concepts like moral responsibility and free will. This research utilizes the descriptive-analytic method to analyze the concept of moral responsibility. The diverse semantic scope of the concept of moral responsibility prompts the following question: What notion of moral responsibility has led to so many disputes between compatibilists and incompatibilists? Have we not encountered the challenge where one party argues for the compatibility of causal necessity with responsibility based on the agent's role and duty, while the other attempts to demonstrate the inconsistency and conflict between any causal predetermination and responsibility as accountability? While the initial focus of moral philosophers on issues of moral responsibility sometimes centers on three types of responsibility related to causation, duty, and moral requirement, recent works highlight two notions of responsibility concerning blameworthiness and accountability. It appears that the most precise concept of human moral responsibility towards moral requirements is "accountability."

Keywords

Moral responsibility, competence, virtue, accountability, domination.

1. **Cite this article:** Danesh, Javad. (2023). A Study of the Concept of Moral Responsibility. *Naqd va Nazar*, 28(112), pp.33-56. <https://doi.org/10.22081/JPT.2024.68601.2109>

 **publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran) ***Type of article:** Research Article

 **Received:** 18/02/2024  **Revised:** 29/02/2024  **Accepted:** 02/03/2024  **Published online:** 18/03/2024

© The Authors



مفهوم‌شناسی مسئولیت اخلاقی^۱

جواد دانش^۲ 

۲. استادیار، گروه فلسفه اخلاق، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

Email: j.danesh@isca.ac.ir



چکیده

ماهیت، قلمرو و شرایط مسئولیت اخلاقی از مباحث پر مناقشه حوزه مطالعات اخلاقی است. به نظر می‌رسد بخش قابل‌اعتنایی از این مناقشات، برخاسته از ابهام مفاهیمی، چون مسئولیت اخلاقی و اراده آزاد بوده است. این پژوهش بر آن است تا در این میان با روش توصیفی-تحلیلی، به واکاوی مفهوم مسئولیت اخلاقی بپردازد. حوزه‌های معنایی متنوع و متکثر مفهوم این سنخ از مسئولیت، ما را با این پرسش مواجه می‌کند که انبوه اختلافات میان سازگارگرایان و ناسازگارگرایان با عطف نظر به کدام‌گونه از مسئولیت اخلاقی پدید آمده‌اند؟ آیا با این چالش مواجه نبوده‌ایم که در برخی پژوهش‌های دوسویه، یک طرف بر سازگاری و وجوب علی و مسئولیت مبتنی بر نقش و وظیفه عامل اصرار می‌ورزد، طرف مقابل تلاش می‌کند که ناسازگاری و تعارض هرگونه تعین پیشین علی را با مسئولیت در مقام پاسخگویی نشان دهد؟ گرچه تأکید اولیه فیلسوفان اخلاق در مباحث مربوط به مسئولیت اخلاقی، گاه متمرکز بر سه نوع مسئولیت ناظر به علت، وظیفه و الزام اخلاقی بوده است، در آثار متأخر، دو مفهوم مسئولیت ناظر به سزاوار سرزنش بودن و مسئولیت در مقام پاسخگویی مورد توجه قرار گرفته است، و به نظر می‌رسد که دقیق‌ترین مفهوم معادل مسئولیت اخلاقی انسان برابر الزامات اخلاقی همان «پاسخگویی» است.

کلیدواژه‌ها

مسئولیت اخلاقی، قابلیت، فضیلت، پاسخ‌گویی، سلطه.

۱. **استناد به این مقاله:** دانش، جواد. (۱۴۰۲). مفهوم‌شناسی مسئولیت اخلاقی. فصلنامه علمی-پژوهشی نقد و

نظر، ۲۸(۱۱۲)، صص ۳۳-۵۶.
<https://doi.org/10.22081/JPT.2024.68601.2109>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸



نظـر

مفهوم‌شناسی مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی از موضوعات مهم و تأثیرگذار اخلاق پژوهی است که گستره آن تمامی کنش‌های اختیاری انسان از عواطف و هیجانات برخاسته از افعال اختیاری پیشینی تا باورها و درنهایت مجموعه فعل‌ها و ترک فعل‌هایی را که برابر خود و دیگر موجودات جهان هستی داریم دربرمی‌گیرد. این سنخ از مسئولیت، نه تنها ناظر به کنش‌های مستقیم عامل اخلاقی است؛ بلکه همچنین نتایج و پیامدهای به‌دست آمده از آنها را نیز شامل می‌شود و اساساً انسان مسئولیت‌پذیر فردی است که به لواحق و پیامدهای گاه متکثر و متنوع هر عمل خود نیز توجه داشته باشد.

پیداست که مسئولیت‌پذیری انسان از حیث اخلاقی مسبوق به شرایطی، چون آگاهی، قصد و نیت، توانایی و اختیار و آزادی اوست. البته عطف نظر بیش از پیش آثار متأخر در باب مسئولیت اخلاقی بر توانایی عامل برای «عمل به گونه‌ای دیگر» حکایت از آن دارد که در میان شرایط چهارگانه این مسئولیت، اراده آزاد و نسبت آن با مؤلفه‌هایی، چون موجبیت عصب‌شناختی، علم پیشین الهی و بخصوص تعیین علی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است.

به نظر می‌رسد که بررسی قلمرو و شرایط مسئولیت عامل اخلاقی در گرو تنقیح مفهوم مسئولیت و به‌ویژه مسئولیت اخلاقی است و تا هنگامی که فیلسوفان تعریف دقیقی از این مفهوم ارائه نکنند، مجالی برای بحث از شرایط و مبانی مسئولیت اخلاقی و یا گستره آن نخواهیم داشت و چنانکه خواهیم دید، بخش قابل توجهی از مناقشات این حوزه، برخاسته از ابهام معنایی اصطلاح مسئولیت اخلاقی بوده است.

۱. مفهوم‌شناسی مسئولیت

بررسی دقیق کاربرست متعارف زبان آشکار می‌سازد که اصطلاح «مسئولیت»^۱، مدلول‌ها

۱. چنانکه مک کن (McKeon) در بررسی مبسوط تاریخچه واژه «مسئولیت» بیان می‌کند، اگرچه استفاده از وصف «مسئول» در آثار فیلسوفانی، چون هابز و جان لاک مشاهده می‌شود، کاربرد اسمی آن نسبتاً مدرن بوده و از پایان قرن هجدهم در مباحث فلسفی رواج یافته است (see: Williams, 2008, p. 456).



و مفاهیم مختلف و البته مرتبگی را در برمی گیرد که غفلت از این تفاوت‌ها، سرمنشأ بسیاری از مناقشات فلسفی بوده است. به نظر می‌رسد که هارت نخستین متفکری بود که در ضمیمه کتاب مجازات و مسئولیت میان شش گونه عمده مسئولیت تمایز گذاشت (Hart, 2008, pp. 210-230). پس از وی، فیلسوفان دیگری نیز کوشیدند تا افزون بر مسئولیت‌های ناظر به استعداد، نقش و وظیفه، علت، دین و تعهد، فضیلت و نتیجه، انحاء دیگری از مسئولیت را نیز تنقیح و تبیین نمایند. بدین ترتیب، مهم‌ترین اشکال کاربرد واژه مسئولیت عبارت بوده‌اند از:

– مسئولیت در مقام اختیار و سلطه: ^۱مانند گزاره «شرکت ساختمانی الف مسئول این پروژه است» و یا «فرمانده مسئول نیروهای تحت امر خود است» به این معنا که شرکت بیان‌شده متصدی پروژه است و اداره امور و هرگونه اعمال قدرتی با آن است و فرمانده «۲»، «مرد در قبال نفقه همسرش مسئول است»، «والدین برابر تربیت کودکانشان مسئول‌اند»، «مغازه‌دار مسئول تأمین اجناس مورد نیاز مشتریانش است» و یا «حکومت اسلامی مسئول تأمین امنیت و معیشت مردم جامعه‌اش است» حکایت از آن دارند که هرگاه شخصی – حقیقی یا حقوقی – مقام، جایگاه یا نقش خاصی را در یک محیط، نهاد، سازمان یا حتی وسیله‌ای بپذیرد، متناسب با آن، وظایفی را بر عهده خواهد داشت که متضمن رفاه، تعالی و ... دیگران یا پیشبرد اهداف آن سازمان است. آشکار است که به جهت وظایف پرشماری که در هر لحظه می‌تواند متوجه افراد باشد، مسئولیت‌های آنها نیز متنوع و متکثر خواهد بود؛ برای مثال ممکن است که یک «معلم» به مثابه یک همسر، پدر، معلم، عضوی از جامعه انسانی، راننده اتومبیل شخصی خود و ... مسئولیت‌های ناظر به وظیفه گوناگونی داشته باشد و درحالی که نسبت به برخی از آنها، مسئولیت‌پذیری و کارآمد است؛ اما در مورد برخی دیگر کاملاً سهل‌انگار و بی‌توجه است. نکته نسبتاً مهمی که در این سنخ از مسئولیت باید مورد توجه قرار گیرد آن است که مسئولیت‌پذیری در این مقام اصولاً مشروط به لوازم و وظایف دیگری نیز است.

1. Responsibility as authority





مسلمانی که به مثابهٔ یک عضو جامعهٔ اسلامی مبادرت به فریضهٔ اخلاقی «نهی از منکر» می‌کند، ناگزیر باید به مؤلفه‌هایی، چون خیرخواهی، شفقت، تلاش حداکثری برای حفظ آبروی شخص مقابل و ... نیز ملتزم باشد.

– مسئولیت در مقام علت:^۱ این نحوه مسئولیت، قلمرو موسعی دارد و نه تنها روابط علی حاکم بر فعل‌ها و ترک فعل‌های انسانی را دربرمی‌گیرد؛ بلکه حیوانات، حوادث، شرایط و حالات نیز ممکن است برابر رویدادهای پدیدآمده چنین مسئولیتی داشته باشند؛ البته در صورتی که مسئولیت علی متوجه انسان باشد اصولاً – و به شرط آگاهی، اختیار و ... عامل – مقارن با انحاء دیگر مسئولیت، همچون مسئولیت در مقام پاسخگویی خواهد بود. «پیشروی آب دریای خزر مسئول خرابی بسیاری از ویلاهای حاشیهٔ دریا بود»، «یخ‌زدگی جاده مسئول تصادف زنجیره‌ای اتومبیل‌ها بود»، «بی‌توجهی و مسامحهٔ او مسئول اندوه و پریشانی‌اش بود»، «سخنرانی رئیس‌جمهور مسئول اضطراب و دل‌نگرانی مردم بود» بیانگر نمونه‌هایی از این مسئولیت هستند.

– مسئولیت ناظر به قابلیت:^۲ این نوع مسئولیت، حاکی از حداقل قابلیت‌ها و توانمندی‌های جسمی، ذهنی و روانی‌ای است که باید در شخص وجود داشته باشد تا به‌درستی از نظر اخلاقی یا حقوقی مسئول قلمداد شود؛ برای نمونه و به‌خصوص با اتکا به نگرش اخلاق اسلامی و جایگاه «نیت» در فعل اخلاقی، لازمهٔ مسئولیت فرد توانایی او در شکل‌دادن به نیت، متناظر با فعل صورت می‌گیرد و کنار قابلیت‌های دیگری، چون امکان تأمل و اندیشیدن بر روی نتایج اعمال، انتخاب فعل و ... است. هنگامی که مثلاً گوسفندی وارد حریم مزرعه می‌شود و به محصولات آن آسیب می‌رساند اساساً آن حیوان را برابر فعلی که انجام داده است، در خور نکوهش و توبیخ بر نمی‌شمیریم؛ زیرا بر این باوریم که قابلیت و استعداد اموری، چون تصور، تصدیق فایده یا ضرر و یا قصد و نیت در چنین موجودی وجود ندارد.

1. Responsibility as cause

2. Responsibility as capacity

- مسئولیت ناظر به فضیلت: ^۱ اطلاق این معنای از مسئولیت در گزاره‌ای، چون «علی انسان مسئولی است» حکایت از یک ویژگی مستحسن شخصیتی یعنی «مسئولیت‌پذیری» در عامل و آگاهی ما از التزام همیشگی یا حداکثری او به وظایفش دارد.

- مسئولیت مبتنی بر الزام: ^۲ مسئولیت در مقام وظیفه، معطوف به نقش و وظیفه افراد در جایگاه‌های مختلف و فارغ از اختیار و سلطه آنهاست؛ در حالی که مسئولیت مبتنی بر الزام هنگامی معنا می‌یابد که اختیار و توانایی بالفعل عامل نیز در نظر گرفته شود؛ برای مثال در جملاتی همانند «پلیس مسئول نظم و امنیت چهارراه است»، «رهگذر مسئول نجات مرد نابینا از سقوط در چاه بود» درصدد بیان این حقیقت هستیم که پلیس ملزم است که برای برقراری نظم و امنیت در تردد اتومبیل‌ها تلاش کند و یا شخص عابر ملزم است که برای ممانعت از سقوط و مرگ فرد نابینایی که با بی‌مبالاتی به سوی چاله عمیقی در حال حرکت است، از هیچ کوششی دریغ نکند و البته این الزام مسئولیت‌آفرین مشروط به اختیار آنها خواهد بود و اگر مثلاً پلیس بیان‌شده گروگان گرفته شود، با وجود آنکه وظیفه برقراری نظم و امنیت بر دوش او بوده است، با سلب سلطه و تمکن بر فعل، الزامی متوجه او نخواهد بود.

- مسئولیت در مقام پاسخگویی: ^۳ این گونه از مسئولیت عبارت است از اینکه عامل برابر آنچه انجام داده یا احتمالاً ترک کرده است و چرایی نقش وی در رخداد مذکور باید آمادگی توضیح و پاسخ داشته باشد. با توجه به حدیث زیبای از حضرت امیر علیه السلام «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ، اطیعُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوا» (سیدرضی، ۱۳۷۳، خ ۱۶۷)، فرد مسلمان باید نسبت به نحوه مواجهه خود با انسان‌های دیگر، حیوانات و حتی زمین و محیط زیست خود پاسخگو باشد.

- مسئولیت در مقام سزاوار سرزنش بودن: ^۴ این شکل از مسئولیت، حکایت از

1. Responsibility as virtue
2. Responsibility as obligation
3. Responsibility as accountability
4. Responsibility as blameworthiness





شایستگی ملامت و توبیخ عامل برابر نقش وی در فعل یا ترک فعلی دارد که رخ داده است. هنگامی که فرزندمان با وجود تذکرات پیشین ما، فعل ناشایستی را برابر دوست خود مرتکب می‌شود، ما او را در قبال این عمل مسئول و سزاوار ملامت قلمداد می‌کنیم.

- مسئولیت مبتنی بر دین و تعهد:^۱ در این نوع از مسئولیت، شخص متعهد به جبران ضررها و خسارت‌ها و گاه تحمل حبس یا پرداخت جریمه است؛ برای مثال اگر راننده‌ای با خودخواهی به چراغ قرمز راهنمایی و رانندگی بی‌توجهی کند و به مسیر خود ادامه دهد و در نتیجه با عابر پیاده‌ای تصادف کند، بی‌تردید از نظر اخلاقی مسئول جبران صدمات و خسارت‌های ناشی از تصمیم نادرست و کنش ناصحیح خود خواهد بود.

چنانکه شاهدیم، گاه این انحاء مسئولیت از منظر حقوقی متوجه اشخاص است و گاه از جهت اخلاقی، و اساساً تلازمی میان آنها وجود ندارد؛ برای مثال در باب سنخ اخیر مسئولیت، فرض کنید که احمد شیئی را از علی به سرقت برده است و علی با وجود شکایت قانونی خود به دلیل نداشتن ادله و برهان‌های کافی نمی‌تواند مدعی خود را برای قاضی اثبات کند. در این حالت، اگرچه از نظر حقوقی، احمد متعهد به جبران خسارت و یا برگرداندن شیء نیست و به عبارتی، مسئولیت مبتنی بر دین ندارد، از جهت اخلاقی محققاً چنین مسئولیتی بر عهده او خواهد بود. البته گاه نیز هر دو سنخ اخلاقی و حقوقی مسئولیت در یک مقام خاص متوجه عامل یا تارک فعل خواهد بود؛ برای مثال پدر خانواده، هم از نظر اخلاقی مسئولیت مبتنی بر نقش و وظیفه تأمین معاش همسر و فرزندان را بر عهده دارد و هم از منظر قانونی و حقوقی.

اما پرسش مهمی که در این مجال قابل طرح است، عبارت است از اینکه میان خود این مدل‌های مختلف مسئولیت چه نسبتی وجود دارد؟

1. Responsibility as liability

برای پاسخ به این پرسش و همچنین فهم بهتر و دقیق‌تر آشکال مسئولیت، مثال مشهور هارت درباره کاپیتان اسمیت را در نظر بگیرید:

«(۱) اسمیت همواره شخص بسیار مسئولی، مسئولیت‌پذیری، بوده است. (۲) و در مقام ناخدای کشتی در قبال سلامت و ایمنی مسافران و خدمه کشتی‌اش احساس مسئولیت می‌کرد. اما او در سفر دریایی اخیرش، آن‌قدر مشروب خورد که گیج و بی‌حال شد و نتوانست کشتی را کنترل و هدایت کند. کشتی به صخره‌ای برخورد کرد و در نتیجه برخی از مسافران مُردند و برخی هم متحمل خسارت‌های شدیدی شدند. (۳) روزنامه‌های محلی اتفاق نظر داشتند که به هر حال اسمیت ملزم بود تلاش کند تا مسافران را با سلامت و ایمنی کامل به مقصد برساند. (۴) و کیل مدافع اسمیت استدلال می‌کند که الکل و بی‌حالی و افسردگی موقت وی مسئول سوء رفتار اسمیت بوده است. (۵) اما متخصصان و وکلای شاکی تأکید می‌کنند که او به هنگامی که نوشیدن مشروب را آغاز کرد کاملاً مسئول بود؛ چراکه وی در آن زمان از بی‌حالی و افسردگی رنج نمی‌برده است. (۶) اسمیت باید در قبال خسارت‌های وارده به خانواده‌های قربانیان پاسخگو باشد و قبول مسئولیت نماید؛ اما کارفرمای او نیز احتمالاً در قبال آنها مسئول قلمداد می‌شود؛ چراکه اسمیت در مانده و فاقد بیمه است.»^۱

در این مثال، واژه «مسئولیت» به هفت شیوه متفاوت به کار برده شده است که هر یک از آنها، به سنخ خاصی از کاربرد این اصطلاح اشاره دارد. در مورد نخست، مسئولیت مبتنی بر فضیلت اسمیت با توجه به شناخت افراد از مواجهه او با وظایف پیشینش مطرح می‌شود. بدیهی است که این نحوه مسئولیت مبتنی بر مسئولیت ناظر به

۱. این مثال را نخستین بار هارت بیان کرد (Hart, 2008, p. 211) و بعدها فیلسوفان دیگری چون کوتز نیز آن را مطرح نمودند. در اینجا، مثال بیان‌شده با تغییراتی از مقاله «مسئولیت اخلاقی» وینسنت بیان شده است (see: Vincent, 2011, p.16).



قابلیت است؛ زیرا پیشینه گرایش شخص به عمل مسئولانه و مسئولیت‌پذیری مسبوق به توانایی او برای مبادرت به چنین عملی بوده است؛ اگرچه به نظر می‌رسد که از حیث اثباتی، مسئول قلمداد کردن فردی بدین معنا مستلزم مواجهه مسئولانه او در مقام‌های دیگری، چون التزام، نقش، پاسخگویی و ... نیز است.

در استعمال دوم ادعایی درباره مسئولیت اسمیت در مقام ناخدای کشتی و وظایفی که بر عهده دارد، مورد توجه قرار می‌گیرد. مسئولیتی که با توجه به نقش و جایگاه وی، الزامات حقوقی و اخلاقی خاصی را برای حفظ ایمنی کشتی و سلامت مسافران بر او تحمیل می‌کند.

اما در گزاره سوم، مدعایی در باب مسئولیت مبتنی بر الزام طرح می‌شود. مسئولیتی که از یک سو، معلول نقش و وظیفه‌ای است که اسمیت بر عهده گرفته است و از سوی دیگر، برخاسته از اختیار و سلطه او برای اعمال اوامر و نواهی خود و در نهایت حاکی از تأثیرگذاری خواسته‌ها و افعال اسمیت در امنیت و سلامت مسافران است. بی‌تردید اگر اسمیت برای مثال آشپز کشتی بود و یا تسلط و قدرتی بر روی کشتی نداشت، چنین الزامی نیز متوجه او نمی‌شد.

در برهه چهارم، مسئولیت به معنای علیت، مورد استفاده واقع می‌شود. وکیل اسمیت می‌کوشد تا با تشبیه به تأثیر الکل در افسردگی و بی‌حالی اسمیت، سوء رفتار او را به نحوی توجیه کند. آشکار است که لازمه این‌گونه مسئولیت نیز قابلیت اولیه الکل در ایجاد چنین شرایطی برای اسمیت است.

در گزاره بعدی، به مسئولیت مبتنی بر قابلیت و استعداد فرد اشاره می‌شود. اگرچه در زمان وقوع حادثه، اسمیت توان ذهنی و ارادی کنترل کشتی را نداشته است، با ردیابی^۱

۱. واژه «می‌توانست» بیانگر اصلی است با نام «اصل ردیابی» (tracing principle) که از زمان ارسطو تاکنون مورد توجه و بحث بوده است (نک: ارسطو، ۱۳۷۸، ص ۹۶) که مطابق آن، قابلیت‌های تقلیل‌یافته‌ای که شخص در تحویل و تضعیف آنها مسئول و مقصر بوده است، او را در خطای بعدی‌اش معذور و موجه نمی‌کند. البته فیلسوفان اندکی نیز مخالف اصل ردیابی بوده‌اند (Dimock, 2011, pp.83-99)

مسئولیت او به لحظه‌ای t_1 می‌رسیم که قابلیت‌های ذهنی، روانی و ارادی او کاملاً سالم و بی‌نقص بوده و به طور معقول، تأثیرگذاری فعل نوشیدن مشروبات الکلی در آن لحظه، بر رخداد توانایی نداشتن کنترل کشتی در لحظه دوم t_2 قابل تصور و پیش‌بینی بوده است؛ از این رو به درستی می‌توان اسمیت را از جهت قابلیت و استعداد کنترل کشتی و پیشگیری از برخورد آن با صخره مسئول برشمرد. همان‌طور که پیش از این بیان شد پیشینه تمایل شخص به عمل شایسته و مسئولانه و به عبارتی، مسئولیت ناظر به فضیلت، مستلزم توانایی او برای انجام چنین عملی یعنی مسئولیت مبتنی بر قابلیت است؛ اما این نکته را نباید از نظر دور داشت که این حقیقت به معنای نسبت مستقیم این دو سنخ مسئولیت در همه لحظات نیست؛ برای مثال اگرچه اسمیت به جهت فضیلت، شخص بسیار مسئولی بوده است، از نظر قابلیت و استعداد در لحظه t_2 کاملاً مسئولیت‌ناپذیر است، از سوی دیگر نیز کاملاً محتمل است که پیشینه قابل قبولی از مسئولیت‌پذیری در نظر عموم افرادی که وی را می‌شناسند، نداشته؛ اما در این لحظه، قابلیت و مسئولیت انجام فعلی را داشته است؛ بنابراین مدعی پیشین نگارنده آن بوده است که مسئولیت ناظر به فضیلت و التزام حداکثری شخص نسبت به افعال حسن، فقط در صورتی ممکن است که پیش از آن توانایی‌های روانی، معرفتی و ارادی او مجال بروز چنین کنش‌هایی را به او داده باشد.

قابلیت و مسئولیت معطوف به آن، امری تشکیکی و پیچیده است که از حالات روانی و ذهنی تا امکانات و توانمندی‌های فیزیکی افراد را دربرمی‌گیرد و به جهت تأثیر آن بر دیگر انحاء مسئولیت، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ برای مثال اگرچه ممکن است فرد مسلمانی که در مواجهه با منکرات اجتماعی که به نظر می‌رسد چندان اهمیتی به وظیفه اخلاقی «نهی از منکر» ندارد و به سخن دیگر، در مقام یک عضو جامعه چندان مسئولیت‌پذیر نیست، از نظر اخلاقی لایبالی و سهل‌انگار به نظر برسد؛ اما ای بسا با واکاوی بسترهای روانی، اجتماعی، معرفتی و ... که او در آنها رشد کرده است، دست کم چنین تلقی‌ای نسبت به او تلطیف شود. تصور کنید که چنین شخصی به لحاظ





روان‌شناختی به هراس مزمن اجتماعی^۱ مبتلاست؛ به گونه‌ای که از صحبت کردن با دیگران و مهم‌تر از آن، واکنش‌های محتمل به شدت می‌ترسد، در خانواده‌ای با اندیشه‌های کاملاً خودگروانه و محتاط تربیت شده و پس از آن هم مجال تأمل در اندیشه‌ها و باورهای دیگر را نداشته است، بی‌تردید قابلیت و مآلاً مسئولیت او در ایفای وظیفه نهی از منکر بسیار کمتر از شخصی خواهد بود که از چنین کاستی‌هایی رنج نمی‌برده است.

سرانجام در گزاره ششم تعابیری دربارهٔ مسئولیت ناظر به پاسخگویی و نیز مسئولیت مبتنی بر دین و تعهد شخص ابراز شده است. اسمیت در این مرحله می‌تواند مسئولیتی را که تاکنون در مقام وظیفه، سلطه یا الزامی که متوجه او بوده از پذیرش آن سرباز زده است، بپذیرد و با پاسخگویی شایسته، عذرخواهی و همدلی با افراد و خانواده‌های مصدوم و مصیبت‌دیده، پرداخت خسارت و ... تا اندازه‌ای آن را جبران کند؛ بنابراین کاربرد اصطلاح «مسئولیت» در معانی‌ای، چون پاسخگویی و تعهد، بیش از گذشته معطوف به «پذیرش مسئولیت»^۲ و در نتیجه چنانکه در کتاب مسئولیت و کنترل بیان شده است (Fischer & Ravizza, 1998, pp.210-213)، مسبوق به سه شرط است. نخست آنکه، این فرد باید خود را یک فاعل بداند؛ یعنی باور داشته باشد که انتخاب‌ها، تصمیم‌ها و افعال او بر جهان تأثیر می‌گذارد و نتایجی را ایجاد می‌کند. دوم آنکه، عامل بپذیرد که در نتیجه چگونگی به کارگیری این فاعلیت در موارد خاص، در تیررس رفتارهای واکنشی لازم قرار خواهد گرفت. البته لازم نیست که او دربارهٔ اینکه در چه موارد و زمینه‌هایی مدح یا ذم او منصفانه است، نظریه خاصی داشته باشد؛ بلکه همین اندازه کافی است که او بداند قابلیت دریافت رفتارها و نگرش‌های واکنشی‌ای را در زمینه‌های خاصی داراست، و این زمینه‌ها نیز گزاف و نامدلل نیست. اما شرط سوم پذیرش مسئولیت، آن است که نگرش شخص به خودش، به نحو مناسبی مبتنی بر دلیل باشد. اینکه در واقع چه

1. Chronic Social phobia

2. Taking responsibility

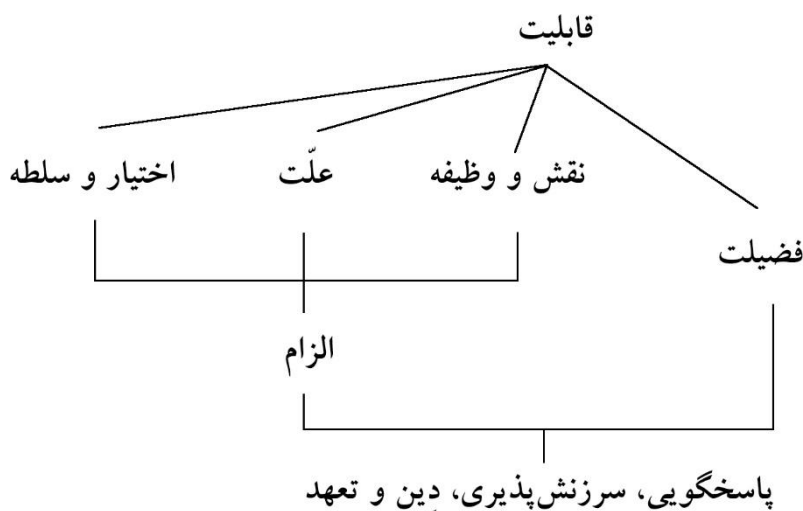
دلیلی مناسب است و چگونه نگرش بیان شده به نحو مناسبی مبتنی بر دلیل باشد، بحث دقیق و مشکلی است و توضیح مفصلی می‌طلبد. در اینجا همین اندازه کافی است که شخص به مثابه فاعلی که گاه در معرض رفتارهای واکنشی قرار می‌گیرد، نگرشی به خود داشته باشد که مبتنی بر دلیل خودش برای این نگرش باشد؛ برای مثال نگرش کودک به خود - به منزله یک فاعل - باید به نحو مناسبی مبتنی بر تجربه خود او از مشاهده آثار گزینش‌ها و افعال او بر جهان باشد. و همچنین نگرش او به قابلیت رفتارها و برخوردهای واکنشی باید مبتنی بر تعلیمات پدر و مادر و به طور گسترده‌تر تجربه‌های وی از شنیدن مدح و ذم اجتماعی و یا تعهدات اخلاقی باشد.

اما انجا مسئولیتی که در گزاره آخر مثال اسمیت بیان شده است و حتی مسئولیت در مقام سزاوار سرزنش بودن، مبتنی بر دو سنخ دیگر مسئولیت یعنی مسئولیت ناظر به فضیلت و نیز مسئولیت ناظر به الزام‌اند. فهم اخلاقی انسان‌ها حاکی از آن است که اگرچه انسان‌ها در صورتی از جهت اخلاقی مستحق سرزنش، ناگزیر به پاسخگویی و متعهد به جبران خسارت‌ها هستند که نسبت به الزامات اخلاقی که پیش‌روی آنها بوده است، سهل‌انگاری کرده باشند؛ اما میزان این مسئولیت‌ها گاه متأثر از پیشینه اخلاقی شخص در تقید و التزام به باید‌ها و نبایدهای اخلاقی است؛ برای مثال فرض کنید که علی و بابک دو دوست بسیار صمیمی‌اند که از نظر سلیقه و باورهای سیاسی کاملاً متفاوت از یکدیگرند. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و در بوجوه کشمکش‌های سیاسی، این دو نیز با نهایت جدیت، به تحلیل رویدادهای پیرامون خود و دفاع از کاندیدای مورد نظرشان می‌پردازند که به تدریج بحث نسبتاً منطقی و آرام آنها، احساسی‌تر و تندتر می‌شود تا آنکه بابک عصبانی شده و در کمال ناباوری سخن ناشایستی را به علی می‌گوید. حال داوری ما درباره این‌که بابک تا چه اندازه به دلیل توجه‌نداشتن به الزامات اخلاقی برابر دوست خود سزاوار سرزنش یا ملزم به پاسخگویی و عذرخواهی از علی است، تا اندازه‌ای، معطوف به شناختی است که از پیشینه مسئولیت‌پذیری بابک نسبت به وظایف و الزامات اخلاقی‌اش داریم. اگر بابک از منظر ما همواره شخصی مهربان، منطقی و



مبادی آداب باشد، بی تردید او را کمتر ملامت خواهیم کرد تا هنگامی که وی را فردی خشن، نامعقول و عصبانی بشناسیم.

بنابراین مناسبت‌های میان گونه‌های مهم مسئولیت اخلاقی را می‌توان به کمک نمودار زیر ترسیم کرد:



۲. بررسی مفهوم مسئولیت اخلاقی

حال اگر مسئولیت اخلاقی مدلول واحدی نداشته باشد و دست کم ناظر به سه سنخ متفاوت از حوزه‌های معنایی متناظر با مفهوم مسئولیت باشد، با این پرسش مواجه خواهیم بود که انبوه مناقشات میان سازگارگرایان و ناسازگارگرایان با عطف نظر به کدام گونه مسئولیت اخلاقی بوده است؟ آیا بیم آن نبوده است که درحالی که یک طرف بر سازگاری و جوب علی و مسئولیت مبتنی بر نقش و وظیفه عامل اصرار می‌ورزد، طرف مقابل تلاش کند ناسازگاری و تعارض هرگونه تعیین پیشین علی را با مسئولیت در مقام پاسخگویی نشان دهد؟

واقعیت آن است که چنین پرسش‌هایی در آثار فیلسوفان مورد توجه قرار نگرفته



نظر

است و آنها چنان به مباحث پرداخته‌اند که گویی همگی معنای واحدی را در ذهن دارند! فیشر و تاگنازینی در مقاله «چهره‌شناسی مسئولیت» که به بررسی و تحلیل ویژگی‌های دو معنای مورد نظر واتسون از مسئولیت اخلاقی یعنی اسنادپذیری^۱ و پاسخگویی^۲ می‌پردازد، با یادآوری آنکه برخی اختلاف نظرها درباره موضوع مسئولیت اخلاقی، برخاسته از این مسئله است که طرفین به هنگام استفاده از واژگانی، چون سازگاری یا مسئولیت مفاهیم مختلفی را مراد می‌کرده‌اند، تأکید می‌کنند که سازگارگرایان و ناسازگارگرایان، گاه از نسبت میان تعیین علی و «توانایی عمل به گونه‌ای دیگر» سخن گفته‌اند و گاه نیز رابطه بین ضرورت علی با «مسئولیت اخلاقی» را مورد توجه قرار داده‌اند؛ از این رو وضوح و شفافیت بحث میان آنها، مستلزم آن است که آنان در گام نخست مشخص کنند که سازگاری یا عدم سازگاری تعیین علی را با کدام یک از دو مؤلفه بالا ارزیابی می‌کنند و در گام بعد، اگر هم عنصر مسئولیت اخلاقی مورد نظر آنها بوده است، روشن کنند که «کدام حالت و حیثیت مسئولیت اخلاقی در نظریه آنها مورد بحث است. ممکن است که شخصی گمان کند که تعیین‌گرایی با مسئولیت در مقام اسنادپذیری سازگار است، اگرچه با پاسخگویی در تعارض است» (Fischer & Tognazzini, 2011, p. 398)؛ بنابراین با در نظر گرفتن اینکه اصطلاح «مسئولیت اخلاقی» چنانکه دیدیم، گونه‌های مختلف توصیفی - مانند مسئولیت مبتنی بر قابلیت یا مسئولیت ناظر به وظیفه - یا تجویزی - همچون مسئولیت حاکی از الزام و مسئولیت در مقام پاسخگویی - را شامل می‌شود، در ابتدا باید نظریه پردازان مشخص کنند که کدام یک از این مدلول‌ها را در نظر داشته‌اند.

به نظر می‌رسد که گرچه تأکید اولیه فیلسوفان اخلاق در مباحث مربوط به مسئولیت اخلاقی، گاه متمرکز بر سه نوع مسئولیت ناظر به علیت، وظیفه و الزام اخلاقی بوده است، بیش از آنها، دو نوع مسئولیت پیش گفته یعنی «مسئولیت ناظر به سزاوار سرزنش

1. Attributability

2. Accountability





بودن» و یا «مسئولیت در مقام پاسخگویی» مورد توجه قرار گرفته است و نگارنده نیز اساساً مسئولیت را در مقام پاسخگویی ملحوظ داشته است و اگر هم گاهی نقش و وظیفه عامل اخلاقی مورد توجه قرار گرفته به مثابه یکی از لوازم و مبادی سنخ اخیر مسئولیت بوده است.

اما با صرف نظر از گونه‌های مفاهیم مسئولیت، تاریخ اندیشه در باب مفهوم مسئولیت اخلاقی متأثر از تفسیر افراد، از مفاهیم محوری و اقتضائاتی است که مفهوم مسئولیت اخلاقی را از نظر ارسطو معنا می‌کند. همان‌گونه که آندره اشلمن^۱ به خوبی توضیح می‌دهد، دو احتمال اساسی حاصل از نگرش‌های متفاوت نسبت به مفهوم مسئولیت اخلاقی از منظر ارسطو عبارت بوده‌اند از:

۱. دیدگاه مبتنی بر شایستگی^۲ که مطابق آن ستایش و سرزنش، واکنشی مناسب برابر فردی است که شایسته آن باشد، به این معنا که فقط شایستگی و لیاقت شخص سبب بروز چنین عکس‌العملی می‌شود. ۲. دیدگاه پیامدگرایانه^۳ طبق این تلقی مدح و ذم فقط بدان جهت مناسب است که احتمالاً سبب تغییر در شخص یا رفتار او خواهد شد. اندیشمندانی که مایل به دیدگاه مبتنی بر شایستگی بوده‌اند متمایل به نگرشی ناهمسو با تعیین‌گرایی هستند و اصولاً معتقدند که از نظر ارسطو، در صورتی که ستایش و سرزنش بر اساس شایستگی شخص باشد، مستلزم آن است که وی کنترل ویژه‌ای بر افعال خود داشته باشد که محققاً این امر با تعیین‌گرایی علی ناسازگار است. آگوستین^۴ و توماس رید^۵ از جمله مدافعان این تفکرند. از سویی دیگر، مدافعان تفسیر پیامدگرا مدعی‌اند که تعیین‌گرایی علی تهدیدی برای مسئولیت اخلاقی به شمار نمی‌رود؛ زیرا مدح و ذم عاملی مؤثر در ترغیب شخص به رفتار و عمل مناسب است که حتی در عالمی جبری نیز

1. Andrew Eshleman

2. Merit – based

3. Consequentialist view

4. Augustine

5. Thomas Reid

تأثیرگذار است. توماس هابز^۱ و دیوید هیوم^۲ در زمره فیلسوفانی هستند که به مانند رواقیون طرفدار این نظریه‌اند. البته در میانه قرن بیستم تمایل شدید و گسترده‌ای به ایجاد پیوند میان نگرش پیامدگرا و سازگار با تعیین‌گرایی علی و رهیافت مبتنی بر شایستگی و ناسازگار با تعیین‌گرایی علی پدید آمد؛ اگرچه در دهه‌های اخیر، توجه فزاینده انسان‌ها به مسئول‌برشمردن یکدیگر در مناسبات اجتماعی شب شد که بار دیگر بر تنسیق تفسیر مناسبی از رهیافت شایستگی‌محور همت گمارند (Eshleman, 2001).

استراوسون^۳ در مقاله معروف «آزادی و رنجش»^۴ می‌کوشد تا این نزاع میان نگرش پیامدگرا و تلقی مبتنی بر شایستگی را پایان دهد. به عقیده او هر دو نظریه بیان‌شده نادرست است؛ زیرا آنها مفهوم مسئولیت اخلاقی را بیش از حد، عقلانی و نظری درک می‌کنند؛ درحالی که مسئولیت اخلاقی ریشه در رفتارهای انفعالی و طبیعی اشخاص دارد که در متن زندگی و در نتیجه مشارکت و تعامل فرد با دیگران به دست می‌آید و نه با توجه‌های عقلانی. مطابق تعریف مهم و پرنفوذ استراوسون، مسئولیت اخلاقی مترادف با قابلیت «رفتارهای واکنشی»^۵ است. بر این اساس، برخوردها یا رفتارهای انفعالی‌ای، همچون رنجش، خشم، نفرت، عشق، سپاسگزاری، امتنان و احترام و کنش‌های مربوط به آنها یعنی تحسین و تقبیح اخلاقی و نیز پاداش و کیفر میان‌فردی، عناصری‌اند که مسئولیت اخلاقی انسان‌ها را آشکار می‌کنند (Strawson, 1962, p. 194). بی‌شک این معنا از مسئولیت اولاً متلائم با مدح و ذم اجتماعی است و وجه‌ای عمومی و عرفی دارد و دوماً در ترابط و مشارکت با «اشخاص»^۶ معنادار و موجه است؛ زیرا اشیا بی‌جان و حیوانات شایستگی این برخوردهای انفعالی را ندارند. اگر موجودات غیرانسانی محدودیت،



1. Thomas Hobbes
2. David Hume
3. P. F. Strawson
4. Freedom and Resentment
5. Reactive attitude
6. Persons



آسیب یا ضرری را بر انسان یا یکدیگر تحمیل کنند، بی‌تردید رفتارهای واکنشی‌ای، همچون خشم یا سپاسگزاری دربارهٔ آنها ناموجه خواهد بود؛ زیرا برخلاف نگرشمان به اشخاص، آنان را قابل رفتارهای انفعالی‌ای، چون رنجش یا خشم نمی‌دانیم.

به هر حال، استراوسون و به‌خصوص برخی فیلسوفان پس از او، همچون فیشر و راویزا مسئولیت را بر حسب قابلیت فرد برای بعضی از رفتارهای انفعالی انسان‌ها و برخی اعمال مقتضی، مانند تنبیه و پاداش اخلاقی تحلیل می‌کنند (Fischer & Ravizza, 1998, p. 8) و بدین ترتیب این کاندیدای مناسبی^۱ بودن برای دست‌کم برخی از رفتارهای واکنشی، برای مسئول تلقی کردن شخص کفایت می‌کند و نیازی نیست که فرد به نحو بالفعل، در معرض این موضع‌گیری‌ها و واکنش‌ها قرار گیرد (برای ملاحظهٔ بحث‌های بیشتری در باب دیدگاه مهم و بسیار مشهور استراوسونی دربارهٔ مفهوم مسئولیت اخلاقی (see: Watson, 1988). ای‌بسا فردی به دلیل انبوهی از کنش‌های ناشایست خود، درخور واکنش‌های رفتاری بسیاری باشد و با این حال، به جهت جهل افراد به افعال او، از آنها در امان بماند. تصور کنید که یک مدیر ارشد دولتی با توجه به سیطره و نفوذ خود، سال‌ها به اعتماد مردم خیانت کرده است و به طور مثال، زمین‌های بسیاری را به تدریج و با ترفندهایی دقیق به تملک خود درآورده است. اگرچه ممکن است این مدیر هیچ‌گاه بالفعل با تأثرات روحی و رفتارهای واکنشی مردم مواجه نشود، همین اندازه که در معرض چنین رفتارهایی بوده است، از نظر اخلاقی مسئول خواهد بود.

والاس^۲ نیز مسئولیت اخلاقی عامل را نه در گرو آزادی ارادهٔ وی بلکه اساساً مستلزم توانایی او برای درک و کاربست دلایل اخلاقی و کنترل بر رفتار خود در پرتو این دلایل برمی‌شمرد و می‌کوشد تا اخلاقاً مسئول بودن را بر حسب اخلاقاً مسئول قلمداد کردن^۳ شخص تعریف کند و البته این مفهوم «هنجاری» مسئولیت اخلاقی را در

1. Apt Candidate

2. R. Jay Wallace

3. Holding responsible

گرو فهرست تنگ‌تری از عواطف میان اشخاص یعنی قابلیت رنجش، خشم و گناه و خطا معرفی می‌کند (Wallace, 1998, pp. 1-2).

اما یکی دیگر از دیدگاه‌ها در تعریف مسئولیت اخلاقی، تأکید بر عنصر «پاسخگویی»^۱ است که به وسیله فیلسوفانی، چون مارینا اوشانا (Oshana, 1997, p. 77) و هیلاری بک (Bok, 1998, p. 152) مطرح شده است. همان‌طور که در دیدگاه‌های استراوسون و والاس بر بعد اجتماعی مسئولیت اخلاقی تأکید می‌شود و اخلاقاً مسئول تلقی کردن فردی دیگر، مستلزم آن است که وی در معرض انفعالات و رفتارهای خاصی قرار داشته باشد، اوشانا نیز به همین ترتیب، مفهوم اجتماعی دیگری از مسئولیت اخلاقی پیشنهاد می‌کند. به اعتقاد او، وقتی اظهار می‌کنیم که شخصی به لحاظ اخلاقی برابر چیزی مسئول است، در واقع بیان می‌کنیم که او فعلی را مستقیم یا غیرمستقیم انجام داده و یا ویژگی‌ای از خود بروز داده که شایسته است در قبال آن توضیح دهد و پاسخی ارائه کند. پس به عقیده اوشانا، از نظر اخلاقی، مسئول بودن برابر چیزی مستلزم پاسخگویی بودن در قبال آن است و «x در قبال y پاسخگو است» نیز می‌تواند به منزله «شایسته است که x مقاصد و نیاتش را در انجام y (یا y بودن) توضیح دهد» تجزیه و تحلیل شود (Oshana, 1997, p. 56). به نظر اوشانا، توانایی پاسخگویی در مفهوم مسئولیت اخلاقی، بسیار دقیق‌تر از ایده استراوسون یعنی در معرض رفتارهای واکنشی بودن است؛ زیرا بر اساس رهیافت او، عامل از آن جهت از نظر اخلاقی مسئول نیست که وی متعلق و موضوع مناسبی برای رفتار واکنشی است؛ بلکه عامل از آن جهت متعلق سزاواری برای رفتارهای واکنشی است که از نظر اخلاقی مسئول است. به عبارتی، قابلیت رفتارهای واکنشی معلول مسئولیت اخلاقی است و نه علت آن. در واقع آنچه مسئولیت‌ساز است، قابلیت پاسخگویی است که بر اساس آن مسئولیت به معنای بجا بودن و مناسب بودن تقاضای توضیح و پاسخ از شخص شکل می‌گیرد.

1. Accountability



اما گری واتسون^۱ میان دو مفهوم یا جنبه فردی و اجتماعی مسئولیت اخلاقی تمایز می‌گذارد. از نظر وی جنبه فردی مسئولیت اخلاقی مترادف با ظهور قابلیت‌ها و استعدادهاى شخص به هنگام انجام یا ترک آزادانه یک فعل و به عبارتی، «خودآشکارسازی»^۲ یا «اسنادپذیری» است و حیثیت اجتماعی مسئولیت اخلاقی نیز ناظر به مفهوم «پاسخگویی» است (Watson, 2004, pp. 260-3).^۳ مطابق دیدگاه خودآشکارسازی، لازمه مسئولیت اخلاقی عامل «قابلیت اخلاقی»^۴ وی یعنی توانایی شخص برای انتخاب اهداف مختلف پیش از تحقق آنها و عمل بر طبق این غایات (علیت) است. این تلقی، مفهوم محوری مسئولیت را که برای حیات اخلاقی و ارزیابی اخلاقی محوری است، توصیف می‌کند و به سبب قابلیت‌هایی که با تحقق غایت‌ها مشخص می‌شود، می‌توان رفتاری را به فردی به مثابه عامل آن اسناد داد. چنین تصویری از مسئولیت اخلاقی و آزادی ملازم آن، با مشکلات پرشماری مواجه خواهد بود؛ برای مثال این سنخ عمل آزاد و مسئولانه یعنی عملی که غایات گرفته‌شده خود فرد را بیان می‌کند، برای نمونه‌های کنش سهل‌انگارانه، یا رفتار توأم با خودفروبی قابل اطلاق نیست. چگونه می‌توان در موارد خودفروبی، فعل و نتیجه به دست آمده را به درستی ظهور قابلیت‌های عامل و خودآشکارساز برشمرد؟ مشکل دیگر آن است که تصور افراد از غایاتشان ممکن است برخاسته از شستشوی مغزی یا القائاتی باشد که بی‌تردید آزادی و مسئولیت اخلاقی شخص را به مخاطره می‌افکند.

واتسون جنبه اجتماعی مسئولیت اخلاقی را با مفهوم «پاسخگویی» نشان می‌دهد که

1. Gary Watson

2. Self - disclosure

۳. البته فیلسوفانی، چون اسکاتلون (T. M. Scanlon) میان مفهوم مسئولیت اخلاقی در مقام اسنادپذیری و مسئولیت حقیقی و ذاتی (substantive responsibility) تمایز قایل می‌شوند؛ زیرا مسئولیت اسنادپذیر فقط بیانگر آن است که می‌توان شخص را از جهت اخلاقی مورد ارزیابی قرار داد، و تحسین یا سرزنش کرد؛ درحالی که مسئولیت ذاتی، وظایف الزامی و گریزناپذیر افراد برابر یکدیگر را معین می‌کند؛ به گونه‌ای که وقتی شخص به این معنا در قبال نتیجه‌ای مسئول باشد، نمی‌تواند اعتراضی به مضایق و یا الزامات آن نتیجه داشته باشد (See: Scanlon, 1998, p. 29).

4. Moral capacity

از نظر او مبتنی بر مؤلفه «کنترل»^۱ یا «اجتناب‌پذیری»^۲ بوده و شامل رفتارهای واکنشی منفی و اعمال مربوطه است (Watson, 2004, pp. 265-73). واتسون با تمایز میان این دو گونه فردی و اجتماعی مسئولیت و تأکید بر عنصر «کنترل» می‌کوشد تا میان مسئولیت یک بزهکار شرور که خود قربانی کاستی‌ها، نامالایمات و بدفهمی‌های بسیار دوران کودکی شده است، از مجرمی عادی تفاوت قایل شود؛ زیرا فرد نخست کنترل حقیقی بر اعمال خود ندارد و از منظر اجتماعی، پاسخگویی او چندان موجه به نظر نمی‌رسد؛ هرچند اعمال او قابل اسناد به وی است و به نحوی قابلیت‌های او را آشکار می‌سازد.

اما به نظر نمی‌رسد که چنین تمایزی میان دو مفهوم خودآشکارسازی و پاسخگویی و لوازم آنها قابل دفاع باشد؛ زیرا بی‌شک توانایی کنترل عامل بر کنش‌های خود، برای عمل مطابق غایات در نظر گرفته شده است و تحقق قابلیت اخلاقی شخص (خودآشکارسازی) نیز ضرورت خواهد داشت و طبعاً هرگونه ارزیابی اخلاقی در گرو آن است که فعل از روی کنترل صادر شده باشد. شاید بتوان با تأکید بر عواملی، چون اضطراب یا جهل و به‌طور کلی «عذر»^۳ تا اندازه‌ای، از این وجوه متفاوت مسئولیت استفاده کرد. ارسطو در کتاب سوم اخلاق نیکوماخوس یادآور می‌شود که گاه با وجود آنکه عامل مبادرت به فعل خطایی می‌کند؛ اما انسان‌ها به چشم اغماض به او می‌نگرند؛ زیرا وی به دلیل برخی عوامل، ناگزیر به آن عمل بوده است (ارسطو، ۱۳۷۸، ص ۸۰). نمونه راننده‌ای را در نظر بگیرید که برای نجات جان فرزندش از چراغ قرمز عبور می‌کند و ناگزیر حق دیگران را پایمال می‌نماید. مثال زیمرمن را نیز در نظر بگیرید:

«جونز با صحنه تصادف اتومبیلی مواجه می‌شود؛ راننده بیهوش است... جونز [با توجه به قرائنی] پیش‌بینی می‌کند که اتومبیل هر لحظه منفجر خواهد شد و در نتیجه با عجله به سمت راننده می‌رود و او را از فضای باز لاشه اتومبیل بیرون می‌کشد. نتیجه: راننده برای همیشه فلج می‌شود - درحالی که اگر جونز او را همان‌طور رها می‌کرد، وی

1. Control
2. Avoidability
3. Excuse





چنین نمی‌شد - ، و اتومبیل نیز منفجر نشد» (Zimmerman, 1988, p. 41). حال آیا جونز از جهت اخلاقی عمل نادرستی انجام نداده است؟ آیا او نباید برابر این پیامد پاسخگو باشد؟ همان‌طور که در مثال پیشین، راننده به سبب عبور از چراغ قرمز فعل خطایی انجام داده بود - و بر انجام این فعل خود، کنترل هم داشت - و نسبت به آن مسئولیت اسنادی داشت؛ در حالی که به دلیل عذر معقولش دیگر پاسخگو نخواهد بود. در اینجا هم زیمرمن تأکید می‌کند اگرچه جونز عمل نادرستی انجام داده است، با این همه، نباید برابر این فعل خود پاسخگو باشد. او به هیچ وجه نمی‌دانست که بیرون کشیدن راننده از داخل اتومبیل باعث فلج شدن او می‌شود و از سوی دیگر، خطری هم وی را تهدید نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به نارسایی مفهوم استراوسونی «قابلیت شخص برای برخی رفتارهای انفعالی» در مسئولیت اخلاقی، انسان به دلیل الزامات و وظایفی که خداوند بر عهده‌اش گذاشته است، وی را بازخواست خواهد کرد، بی‌آنکه انفعالی برایش متصور باشد و نیز با توجه به نقصی که در جنبه فردی مفهوم مسئولیت مورد نظر واتسون خاطر نشان شد - اگر بتوان برای مسئولیت که اساساً مفهومی بیناشخصی است، وجه فردی معناداری ترسیم کرد - ، به نظر می‌رسد از میان گونه‌های مختلف توصیفی یا تجویزی این اصطلاح، دقیق‌ترین مفهوم معادل مسئولیت اخلاقی انسان برابر الزامات اخلاقی، همان «پاسخگویی» است؛ اگرچه گاه این مسئولیت حاکی از دین و تعهد اخلاقی شخص نیز می‌باشد.

فهرست منابع

- ارسطو. (۱۳۷۸). اخلاق نیکوماخوس (مترجم: محمدحسن لطفی، چاپ اول). تهران: طرح نو.
- سیدرضی. (۱۳۷۳). نهج البلاغه (مترجم: سید جعفر شهیدی، چاپ ششم). تهران: شرکت انتشارات علمی - فرهنگی.
- Bok, Hilary. (1998). *Freedom and Responsibility*. Princeton: Princeton University Press.
- Dimock, Susan. (2011). Please Drink Responsibly: Can the Responsibility of Intoxicated Offenders Be Justified by the Tracing Principle? (Nicole A. Vincent & others, Eds.). *Moral Responsibility: Beyond Free Will and Determinism*, pp. 83-99.
- Eshleman, Andrew. (2001). *Moral Responsibility* (First published Sat Jan 6).
<http://plato.stanford.edu/contents.htm>.
- Fischer, John Martin & Ravizza, Mark. (1998). *Responsibility and Control: A Theory of Moral Responsibility*. New York: Cambridge University Press.
- Fischer John Martin & Tognazzini Neal A. (2011). The Physiognomy of Responsibility. *Philosophy and Phenomenological Research*, 82(2), pp.381-417.
- Hart, H. L. A. (2008). Postscript: Responsibility and Retribution. In *Punishment and Responsibility: Essays in the Philosophy of Law*. New York: Oxford University Press.
- Oshana, Marina. (1997). Ascriptions of Responsibility. *American Philosophical Quarterly*, 34(1), pp. 71-83.
- Scanlon T. M. (1998). *What We Owe to Each Other*. Cambridge: Harvard University Press.
- Strawson, P. F. (1962). Freedom and Resentment. *Proceedings of the British Academy*, 48, pp.187-211.



- Vincent, Nicole A. (2011). A Structured Taxonomy of Responsibility Concepts (Nicole A. Vincent & others, Eds.). *Moral Responsibility: Beyond Free Will and Determinism*. New York: Springer.
- Wallace, R. Jay. (1998). *Responsibility and the Moral Sentiments*. Cambridge: Harvard University Press.
- Watson, Gary. (1988). Responsibility and the Limits of Evil: Variations on a Strawsonian Theme (Ferdinand Schoeman, Ed.). *Responsibility, Character, and the Emotions: New Essays in Moral Psychology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Watson, Gary. (2004). *Agency and Answerability: Selected Essays*. New York: Oxford University Press.
- Williams, Garrath. (2008). Responsibility as a Virtue. *Ethical Theory and Moral Practice*, 11(4), pp. 455-470.
- Zimmerman, Michael J. (1988). *An Essay on Moral Responsibility*. Totowa, N.J.: Rowman and Littlefield.



References

- Aristotle. (1378 AP). *Nichomachean Ethics* (1st ed., M. H. Lotfi, trans.). Tehran: Tarh-e Now. [In Persian]
- Bok, H. (1998). *Freedom and Responsibility*. Princeton: Princeton University Press.
- Dimock, S. (2011). Please Drink Responsibly: Can the Responsibility of Intoxicated Offenders Be Justified by the Tracing Principle? In Nicole A. Vincent (Ed.), *Moral Responsibility: Beyond Free Will and Determinism* (pp. 83-99). Berlin: Springer Science & Business Media.
- Eshleman, A. (2001). *Moral Responsibility* (First published Jan 6). Retrieved March 1, 2024 from <http://plato.stanford.edu/contents.htm>.
- Fischer, J. M. & Ravizza, M. (1998). *Responsibility and Control: A Theory of Moral Responsibility*. New York: Cambridge University Press.
- Fischer, J. M. & Tognazzini N. A. (2011). The Physiognomy of Responsibility. *Philosophy and Phenomenological Research*, 82(2), pp. 381-417.
- Hart, H. L. A. (2008). Postscript: Responsibility and Retribution. In *Punishment and Responsibility: Essays in the Philosophy of Law*. New York: Oxford University Press.
- Oshana, M. (1997). Ascriptions of Responsibility. *American Philosophical Quarterly*, 34(1), pp. 71-83.
- Sayyid al-Raḍī. (1373 AP). *Nahj al-balāgha* (6th ed., S. J. Shahidi, trans.). Tehran: Elmi Farhangi Publishing Company. [In Persian]
- Scanlon T. M. (1998). *What We Owe to Each Other*. Cambridge: Harvard University Press.
- Strawson, P. F. (1962). Freedom and Resentment. *Proceedings of the British Academy*, 48, pp. 187-211.
- Vincent, N. A. (2011). A Structured Taxonomy of Responsibility Concepts. In Nicole A. V. (Ed.), *Moral Responsibility: Beyond Free Will and Determinism*. New York: Springer.



- Wallace, R. J. (1998). *Responsibility and the Moral Sentiments*. Cambridge: Harvard University Press.
- Watson, G. (1988). Responsibility and the Limits of Evil: Variations on a Strawsonian Theme. In Ferdinand Schoeman (Ed.), *Responsibility, Character, and the Emotions: New Essays in Moral Psychology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Watson, G. (2004). *Agency and Answerability: Selected Essays*. New York: Oxford University Press.
- Williams, G. (2008). Responsibility as a Virtue. *Ethical Theory and Moral Practice*, 11(4), pp. 455-470.
- Zimmerman, M. J. (1988). *An Essay on Moral Responsibility*. Totowa, N.J.: Rowman and Littlefield.



نظر
شماره

سال بیست و هشتم، شماره چهارم (پیاپی ۱۱۲)، زمستان ۱۴۰۲